

مزرعہ حیوانات

جورج اورول

مترجم:

محمد رضا صامتی



انتشارات سیر نظم

سرشناسه	: اورول، جورج، ۱۹۰۳ - ۱۹۵۰ م. Orwell, George
عنوان و نام پدیدآور	: مزرعه حیوانات/ جورج اورول؛ مترجم محمد رضا صامتی
مشخصات نشر	: تهران: سفیر قلم، ۱۳۹۶
مشخصات ظاهری	: ۱۱۲ ص
شابک	: 978-600-7435-60-1
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتاب حاضر نخستین بار در سال ۱۳۴۸ تحت عنوان "قلعه‌ی حیوانات" با ترجمه امیر امیرشاهی توسط انتشارات فرانکلین و سپس درسالهای مختلف توسط ناشران و مترجمان متفاوت منتشر شده است.
عنوان دیگر	: قلعه‌ی حیوانات.
موضوع	: داستان‌های انگلیسی — قرن ۲۰ م.
موضوع	: English fiction -- 20th century
شناسه اف‌و	: صامتی، محمد رضا، ۱۳۶۰ - مترجم
رده بندی ک‌گره	: ۱۳۹۶ اق ۸۷۳/الف ۳ PZ
رده بندی دیویی	: ۸۲۳/۹۱۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۸۶۱ ۵۷۱

مزرعه‌ی حیوانات

نویسنده:	جورج اورول
مترجم:	محمد رضا صامتی
ناشر:	سفیر قلم
صفحه آرا:	لیلا حائری
نوبت چاپ:	اول/ ۱۳۹۷
شمارگان:	۱۰۰۰ جلد
قیمت:	۹۵۰۰ تومان
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۷۴۳۵-۶۰-۱

مرکز پخش: میدان انقلاب، خیابان فخررازی، بن بست فاتحی داریان، پلاک ۵، طبقه دوم.
انتشارات سفیر قلم تلفن: ۶۶۴۸۳۱۶۷ همراه: ۰۹۱۲۴۳۷۲۱۳۱

مقدمه

«مزرعه‌ی حیوانات» را باید یک هجویه‌ی قدرتمند سیاسی علیه شوروی دوران «ژوزف استالین» دانست. جورج اورول، در مهم‌ترین اثر خود، انقلاب ۱۹۱۷ روسیه و به فساد کشیده شدن آن توسط نخبگان بی‌رحم حکومت استالینی را به تصویر کشیده است. مزرعه‌ی حیوانات به هر که بیشتر نماد حکمرانی آریستوکرات‌هاست و اشاره به «نیکلای دوم» تزار روسیه دارد، از دست انسان - به عنوان مالک فاسد و ظالم آن - در آمده و به دست حیوانات که همان اتوده‌های مختلف مردم هستند می‌افتد. حیواناتی که هر کدام نماد یک قشر از جامعه هستند.

در سرتاسر رمان مزرعه‌ی حیوانات، باید به سه عبارت کلیدی که گشاینده‌ی کد مورد نظر اورول است توجه کرد: «حرانیسم»، «مهی حیوانات برابرنده»، و «چهارپا خوب، دوپا بد». اما خوک‌ها که مغز متفکر رمان‌های جدید و سردمداران حکومت هستند، پس از شوراندن سایر حیوانات به قیام به تاجیه رسیدن آن، به عنوان نخبگان تصمیم‌ساز حکومتی، دست به کنترل افکار و پارتی بازی سایر حیوانات می‌زنند. این کار، از طریق شست‌وشوی مغزی به وسیله استراتژی‌های زیرک حکومت و ایجاد رعب و وحشت به وسیله سگ‌ها به عنوان نیروی پلیس و امنیتی صورت می‌گیرد.

پایان بحث برانگیز رمان، اشاره‌ای روشن و ظرافتمندانه به تکمیل روند تغییر رفتاری و دیدگاهی استالین و هم‌پالگی‌هایش از ایدئولوژی گرایشی به سرمایه‌داری و پشت کردن به آرمان‌های اولیه‌ی نهضت دارد. جایی که سایر حیوانات به عنوان بردگان نوین، خوک‌ها به عنوان صاحبان منافع مزرعه را - درست در مغایرت کامل با اصول حیوانیسم - در کنار انسان‌ها و در حال شادی و معامله کردن با آنها

می‌بینند و در پرده‌ی آخر، خوک‌ها صورت انسانی پیدا می‌کنند و تشخیص و تمییز بین آنها، برای حیوانات غیرممکن می‌شود.

جورج اورول، در قامت نویسنده‌ای دغدغه‌مند و انسانی شریف، با تجربه و بینشی که از زندگی در هند تحت استعمار حکومت استبدادی بریتانیا به عنوان یک اشراف‌زاده به دست آورده بود، آثار ماندگار و درخشانی چون «مزرعه‌ی حیوانات» و «۱۹۸۴» را به رشته‌ی تحریر درآورد. او در میان مردم فقیر هند زبانت و تبعیض نژادی و ظلم و ستم حکومت‌های خودکامه بر علیه ضعیفا و اقشار مختلف را به چشم دل دید و شعور و اندیشه خود را در کارگاه انسانیت بارور و متعالی ساخت. رقتی برای زندگی به لندن بازگشت، آنجا هم عمداً در میان قشر کارگر زیست. دست‌کم زندگی آنها را پیشه کرد. زان سبب، آثار این نویسنده بزرگ و انسان دغدغه‌مند شریف را می‌توان فریاد دادخواهی مردمان در مقابل حکومت‌های استبداد - خدایه بر تانیای استعمارگر و شوروی استالینی - دانست.

تغییر شعار کلیدی «ضد از همه» حیوانات برابرند» به «همه حیوانات برابرند اما بعضی از حیوانات برابرند» را می‌توان شاه‌کلید رمان مزرعه‌ی حیوانات و نگاه اورول به یک حکومت خودکامه مزور دانست. این باور و اعتقاد در سرتاسر زندگی حرفه‌ای اورول، اساس شده تفکر وی بوده است تا آنجا که در وصیت‌نامه‌اش خواستار این می‌شود که بر روی سنگ قبر او بنویسند: «همه‌ی حیوانات برابرند اما بعضی از حیوانات برابرترند» رقتی که هیچگاه به آن عمل نشد. روح‌اش از رحمت پروردگار برخوردار و یادش گرامی باد.